

# مداحی باب!

محمد صمدی

آسیب‌شناسی مداحی و فرهنگ عزاداری در دوران معاصر

نورانی‌تر از پیش می‌تابد، این روزها شاهدیم که نسل سوم انقلاب به هیئت‌ها و مجالس اهل بیت علیهم‌السلام بیش از پیش توجه می‌کند. در همین وهله اول باید گفت که شکر این نعمت از دست و زبان اهدی بر نمی‌آید و این جز موهبتی دیگر از مواهب حضرت ارحم الراحمین به این کشور نیست.

تجمع جوانان حول محور اهل بیت علیهم‌السلام و یا لاقلاً به بهانه آن حضرات، نعمتی است که فقط وقتی خدای نکرده از دست برود متوجه عظمت و مبارکی آن می‌شویم.

در این میان نقش مداحان به عنوان گردانندگان بخش مهمی از این مجالس باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

در حقیقت، محوری بودن شخصیت مداح در بین عامه هیئت‌ها در شرایطی که منبرهای سخنرانی ما - جز در مواردی معدود - با سلیقه جوانان امروز سازگاری ندارد، بیشتر به این اهمیت دامن می‌زند.

بنابراین در این روزگار، مداحی شاخصه و نماد مجالس و محافل اهل بیت علیهم‌السلام است.

این نوشتار می‌کوشد در حد وسع و توانایی نویسنده و حوصله مخاطب، به آسیبهایی وارد آمده بر مداحیهای جدید که این روزها بسیار باب شده، بپردازد. توضیح اینکه مطمئناً منظور ما از «مداح» همه برادرانی که از سر اخلاص و ادب سر بر آستان مبارک آل... علیهم‌السلام نهاده‌اند و به لباس نوکری این خاندان ملتبس شده‌اند، نیست که خاک پای آنان سرمه چشمان ماست، منظور ما همانهاست که می‌دانیم و می‌دانید.

مجالسی که در تعزیت مصائب آل‌الله و تکریم اهل بیت علیهم‌السلام برگزار می‌شود: از معتنم‌ترین فرصت‌های تبلیغی و ارشادی و فرهنگ‌ساز جامعه دینی ماست، که با توجه به پشتوانه اصیل و ریشه‌دار سنتی - و به‌ویژه - خودجوش مردمی، می‌تواند در سطح کلان اثرگذار بوده و به مؤثرترین تجلی عبادات جمعی و گسترش سنت امر به معروف و نهی از منکر، در جهان تشیع مبدل شود.

بالتبع هرگونه انحرافی در این زمینه نیز می‌تواند به همین میزان حساس و مهم فرض و دیده شود. چندی پیش «حسینیه یا خانقاه» را در صفحات مجله دیدید و موضع‌گیری‌های متعدد - و متأسفانه فعلاً شفاهی - و اعلام‌نظرهای گوناگونی را در پی داشت. «تقابل شور و شعور» فراخوان دیگری در همین راستاست و دستی که در انتظار یاری - مکتوب - اهالی قلم و اهل تحقیق و دغدغه فرهنگی در این زمینه، دراز شده است.

□□□

از روزی که رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمود: «از قتل حسین علیه‌السلام حرارتی در دلهای مؤمنان ایجاد می‌شود که هیچ‌گاه سرد نخواهد شد»، تمام محرم‌ها و عاشوراها شاهدند که این روایت از زبان حق صادر شده و این خود محکم‌ترین سند این روایت است.

حقیقت این است که هر مصیبتی را نسیانی است و هر مصیبت‌زده‌ای را آرامشی، غیر از مصیبت حسین علیه‌السلام که اعظم المصائب است. یکی - و تأکید می‌کنیم تنها یکی - از مظاهر و تجلیات این مصیبت در عالم ارض، مجالس حسینی است که به وسیله دوستداران و شیعیان آن حضرت برگزار می‌شود و از آنجا که شمس جمال و کمال آن حضرات هر روز پرفروغ‌تر و



# دینیک آسپبشناسی مداحی

هیجان و تحرک بیشتر آن برای جوانان است. البته بعضی مداحان عنوان می کنند که نه خودشان و نه مستمعشان - که احتمالاً بسیار آماده و کنایه فهم است - تاب شنیدن روضه و مقتل را ندارند و آنها هم به همین دلیل نوحه می خوانند. بگذریم که در نوحه ها گاهی مطالبی خوانده می شود که در هیچ مقتل مکتوبی به این صراحت و با این بی پرده گی گفته نشده است!

## ب) آسپبشناسی مداحی امروز از منظر محتوا و مطالب: ۱) خواندن روضه های دروغ و بی پایه:

این معضل از قدیم همواره گریبانگیر بخشی از جامعه مداحان بوده و در حقیقت میدانی بزرگ برای آزمایش تقوای مداح به حساب می آید. انتخاب اینکه شما با یک کلمه دروغ، مجلسی را سرتا پا اشک و داد و فریاد کنید یا اینکه مقتل را راست و مستند بخوانید و حتی اگر یک قطره اشک از چشم کسی نریزد و شما صرفاً به وظیفه تان عمل کرده باشید، امتحانی است بسیار بزرگ. نقل است که شخصی در خواب دید که نسبت به حضرت اباعبدالله علیه السلام بی ادبی و جسارت کرده است. فردا صبح پیش یکی از علماء بزرگ آن دوره رفت و جریان خواب را نقل کرد. آن عالم با اندکی تأمل فرمود: شما روضه خوان هستید؟ مرد گفت: بله. آن عالم بزرگوار فرمود: دیگر روضه دروغ نخوانید.

صورت برزخی و مثالی بعضی مطالب و روضه های دروغ و جعلی، همان است که آن شخص در خواب دیده بود. آشنا نبودن مداح با تاریخ و مقاتل معتبر و مشهور، باعث می شود که در خواندن روضه به ذکر وقایع مجعول و بی پایه پناه ببرد و بسیاری اوقات به بهانه «زبان حال» گفتن، چیزهایی بگوید که موجب وهن و کسر شأن حضرات ائمه علیه السلام شود.

کلام آن حضرات و نحوه برخورد و سلوک ایشان در هنگام مصیبت دیدن، اضطراب، غم، خشم، شادی و... بسیار بسیار ظریف تر و دقیق تر از آن است که ما و امثال ما بتوانیم در چهارچوب زبان حال به جای آن بزرگواران حرف بزنیم. چون در هر صورت زبان حال نیز اثر خود را در ذهن شنونده می گذارد و حتی اگر بدانند اینها واقعیات و مسلمات تاریخی نیست و ساخته ذهن مداح است، بالاخره به مرور زمان در شکل گیری فضای ذهنی او نسبت به اولیای دین و قیام و نهضت عاشورا بسیار تأثیرگذار است.

و این گونه است که ابعاد حماسی شخصیتی بزرگوار مانند حضرت عقیله بنی هاشم زینب کبری سلام الله علیها، کم کم از روضه ها و مرثیاتی حذف می شود؛ زیرا مداحی که زبان حال می خواند، هیچ گاه در نمی یابد که چگونه می توان در عین زن بودن و سر تا پا عاطفه بودن، چگونه می توان در عین مصیبت کشیدن و در زنجیر دشمن اسیر شدن، باز این همه بزرگ و حماسی و عزیز النفس بود. در نتیجه در قالب زبان حال و روضه های جعلی و ساختگی، این شخصیت بزرگوار را همچون یک زن معمولی مصیبت دیده معرفی می کنند.

بدبختی بزرگ دیگر این است که مداح معمولاً در تکرار زبان حال، دیگر اشاره ای به زبان حال بودن مطالب ندارد و آن را نیز هرمدیف روضه ها و واقعیات

آسپبه ای وارد آمده بر مداحی امروز را می توان از سه دیدگاه مورد بررسی قرار داد. ابتدا از منظر فرم و قالب، سپس از منظر محتوا و مطالب و سپس آسپبه ای که شخصیت مداحان امروز را تهدید می کند.

## الف) آسپبشناسی مداحی امروز از منظر فرم و قالب: ۱) توجه بیش از حد به قالب و ظاهر مداحی:

در گذشته مداحان، مضامین و محتوای عالی و بلند را در قالب اشعار و نوحه ها و سبکهای مناسب در اعماق جان شنوندگان می نشانندند و تمام هنر مداح در این بود که آن مطالب را با تأثیرگذارترین شکل ممکن به مخاطب تحویل دهد.

امروزه اما قرار است تا در قالب فلان سبک و فلان نوحه و فلان نغمه، محتوایی نه چندان عالی به گوش شنونده برسد و بین این دو روش فرسنگها فاصله است.

## ۲) استفاده از سبکهای مبتذل، تقلیدی و نچسب:

یکی از مشکلات جدی مداحیهای جدید رواج بی حد و حصر آهنگها و سبکهای است که هیچ هماهنگی و قرابت و نسبتی با فرهنگ اهل بیت علیه السلام و مجالس آنها ندارد. تا جایی که متأسفانه بعضی از آهنگهای مورد استفاده مداحان کپی برابر با اصل موسیقیهایی است که شنیدن آن حرمت دارد. استفاده از این آهنگها، جدای از اینکه دهن شأنی حضرات اولیا و مجالس آنان است، وقتی برای مخاطبی خوانده شود که قبلاً ولو یک بار این آهنگ را شنیده باشد، تداعی ذهنی نامطلوبی خواهد داشت.

در گذشته نواها و نعمات استفاده شده در تعزیه ایرانی آن قدر دارای غنای موسیقایی بود، که به نظر بعضی صاحب نظران موسیقی، ضامن حفظ موسیقی ایرانی بوده است. (مقاله استاد ابوالحسن خان صبا، نوشته شده در سال ۱۳۳۵ شمسی) و حتی نقل می شود که بعضی بزرگان موسیقی ایران از جمله ابوالحسن اقبال السلطان برای یادگیری و درس آموزی در مجالس تعزیه حضور می یافتند (به نقل از استاد موسی معروفی)

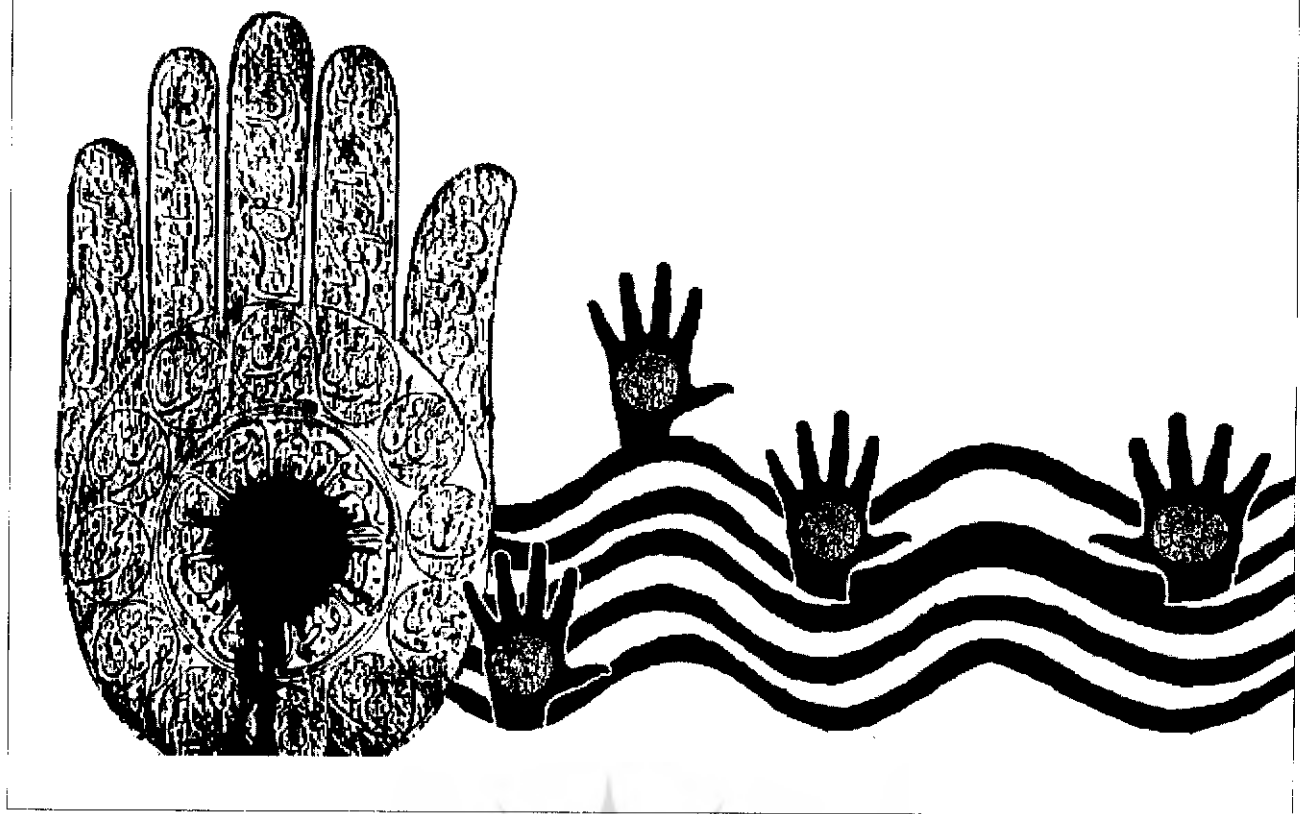
ترجیح می دهیم قضیه را به همین جا ختم کنیم و نپرسیم که جواب مستمعان مؤمنی را که می پرسند بعضی آقایان مداح این سبکها، را از کجا یاد گرفته اند چه باید داد؟ مطمئناً اینجا دیگر نمی توان گفت: این هم عنایت ارباب بوده!

## ۳) رواج نوحه محوری و شور محوری و کمرنگ شدن روضه خوانی:

کسانی که تجربه مداحی دارند می دانند که خواندن نوحه اعم از زمینه، ریز، واحد و یا شور به مراتب آسان تر از خواندن مصیبت و روضه است. در حقیقت پختگی و هنر و روحیات یک مداح هنگام خواندن روضه خود را نشان می دهد. این روزها به نظر می رسد بسیاری از مداحان جوان برای میان بر رفتن این راه، از خواندن روضه و مصیبت گریزانند و ترجیح می دهند قسمت اعظم مجلس خود را با نوحه پر کنند.

یکی دیگر از دلایل این امر، قابلیت های زیاد نوحه برای تنوع سازی و جوش و





کربلا، جناب عباس علیه‌السلام، از آن کوه کرامات و بزرگواریها تبدیل می‌شود به یک جوان رعنا و رشید و زیباصورت و زیباچشم و البته غیور و همیشه غضبناک.

و خدا می‌داند بسیار پیش آمده که بعضی اشعار و حرفها در مورد شخصیهایی مثل ناموس عالم خلقت حضرت زهراى مرضیه سلام‌الله علیها و یا حضرت رقیه سلام‌الله علیها از زبان مداح بیرون آمده که عرق شرم بر پیشانی کسانی نشانده که ذره‌ای و فقط ذره‌ای از حرمت و عظمت این بزرگواران را درک کرده‌اند.

### ۳) استفاده از گویش کوچه بازاری و لهجه اهل باطل:

ظاهراً این به عنوان یک ارزش در بین مداحان مطرح شده که مداح باید داش‌مشدی‌گری و لوطی‌گری را در حد‌اعلای آن رعایت کند. این امر وقتی بیشتر به چشم می‌آید که شما خارج از یک مجلس با شخصی از طیف مداحان برخورد داشته باشید. از مشخصات این نوع ادبیات استفاده از الفاظ سخیفی است که به هیچ‌وجه در شأن زبانی نیست که به ذکر حضرات ائمه علیهم‌السلام گویاست.

حتی کلفت کردن صدا نیز به تبعیت از همین فرهنگ و گویش در بین بسیاری از مداحان نوجوان و جوان باب شده است و حال آنکه این ادبیات هیچ‌گاه در بین بزرگان دینی ما و علمای سلف، سابقه و رواج نداشته و هر چه بوده ادب و وقار و طمأنینه بوده.

### ۴) فاش خواندن مصیبت:

یکی دیگر از آسیبهای محتوایی مداحی امروز این است که مداح وقتی هم چند دقیقه محدود به روضه‌خوانی می‌پردازد، روضه را اصطلاحاً مکشوفه می‌خواند. این امر شاید به این دلیل باشد که بر فن و هنر مرثیه‌خوانی مسلط نیست.

یک استاد صاحب‌دل و دل‌سوخته می‌تواند حتی با نقل مقدمات یک روضه، مانند وداع حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام با اهل حرم و مطالبی شبیه این، مجلس را به اوج احساس برساند و به اصطلاح از مجلس اشک بگیرد و ممکن است کس دیگری برای گریاندن مستمع در همین روضه به فحیح‌ترین حالت ممکن حتی مقصود مقتل را از اصطلاح «اربا اربا» هم تشریح کند.

هنوز بازار نوار یکی از مداحان عزیز گرم است که شعر آتشین و سنگین: «او می‌دوید و من می‌دویدم...» را همراه با گروه ارکستر اجرا کرده، شعری که در سال فقط یک‌بار آن هم در ظهر عاشورا اگر حال مجلسی اقتضا کرد می‌شود

تاریخی مطرح می‌کند و با این روش بسیاری از این زبان حالها که ساخته و پرداخته ذهن مداح است، کم‌کم به صورت یک باور عمومی و جزئی از تاریخ عاشورا به حساب می‌آید.

### ۲) استفاده از اشعار نامناسب

یکی از خصوصیات و لوازم مداح شدن در گذشته آشنایی با ادبیات، شناخت شعر و تسلط بر نحوه اجرای اشعار مختلف بوده است. امروزه اما بعضی مداحان جوان این نیاز را در خود احساس نمی‌کنند و با پیاده کردن اشعار از روی نوار و CD بر کاغذ و دوباره‌خوانی آنها، دیگر حتی نگاهشان به دیوانها و مجموعه‌های شعر نمی‌افتد.

یکی از توصیه‌های مهم رهبر معظم انقلاب به مداحان اهمیت دادن به شعر و نخواندن اشعار سبک و ضعیف در مجالس است، حتی اگر آن شعر ضعیف با اخلاص و حالی خوش سروده شده باشد. متأسفانه جز تعدادی معدود از مداحان که اغلب از پیر غلامان این آستان مقدس هستند، بقیه توجه شایسته‌ای به رهنمود ایشان نکردند.

در طول تاریخ نیز شاهدیم که شعر شعرایی مانند کمیت و دعبل و سید حمیری و... به لحاظ ادبی و قوت شعر در جایگاه رفیعی قرار داشته و جز اشعار محکم و فخیم زمان خود محسوب می‌شده‌اند.

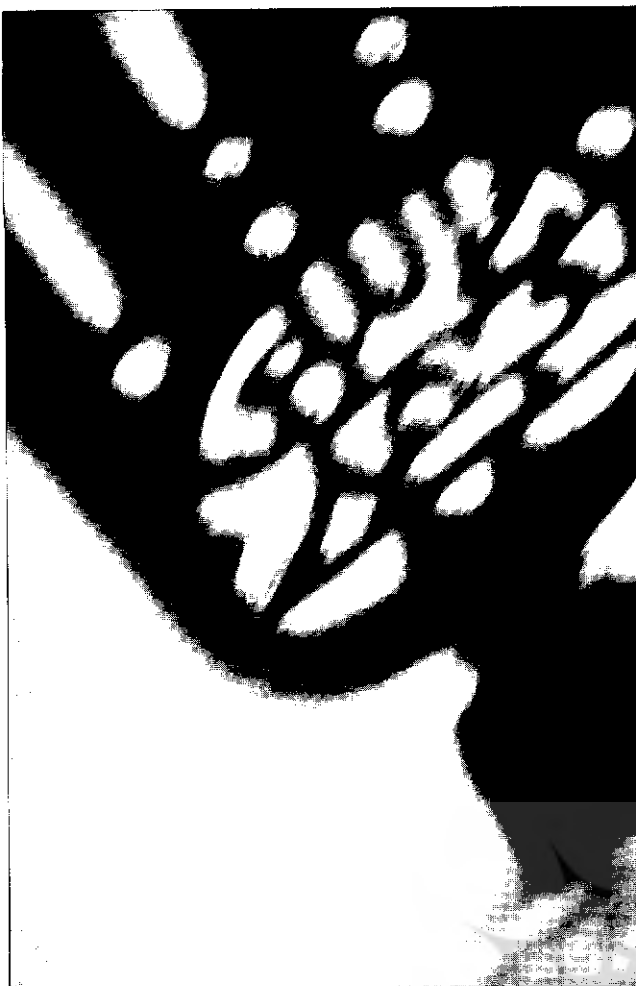
عقل انسان نیز تأیید می‌کند که انسان برای مدح بهترین شخصیهایی عالم باید از بهترین ابزار و وسایل استفاده کند که یکی از این ابزار و وسایل شعر است.

امروزه در هیئت‌ها، بسیاری از چیزهایی که به عنوان شعر، مخصوصاً در قالب نوحه و شور خوانده می‌شود، حتی فاقد وزن و ردیف و قافیه صحیح است. نکته مهم دیگر رواج ادبیات عرفانی و غنایی ایران در هیئت‌های مذهبی، طی سالهای اخیر است.

به این روند توجه کنید:

مداح، نام رابطه خود و مستمع با اهل بیت علیهم‌السلام را، عشق می‌گذارد و چون در حافظه تاریخی این ملت، عشق یا ادبیات عرفانی و غنایی شناخته می‌شود، به سراغ آن اشعار می‌رود و صحبت از خال و لب و گیسو و قد و قامت به‌میان می‌آورد. بی‌آنکه متوجه باشد که در آن ادبیات این الفاظ نشان‌های بودند برای بیان معانی عرفانی.

رواج این کار حتی گاهی باعث توهین به ساحت مقدس اولیاء علیهم‌السلام می‌شود. آن قدر روی این اشعار تأکید می‌شود که در نهایت تصویر ابوالفضائل



■ ■ ■ بعضی از مداحان امروز هم منبریانند هم خطیب هم استاد اخلاق و سیر و سلوک هم مرجع تقلید هم کارشناس و تحلیل‌گر مسائل سیاسی و اقتصادی و علمی و نظامی... و هم روضه‌خوان!

یکی دو پیش را خواند و دیگر هیچ نخواند.

واقعاً اگر ما اعتقاد داشته باشیم حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام در مجالس ما حاضر و ناظر هستند باز هم مجالس ما و مداحی ما همین وضع را خواهد داشت؟

### ۵) محو شدن برخی سنتهای پسندیده:

در گذشته بین جامعه مداحان بعضی سنتهای پسندیده رواج داشته از جمله خواندن قصاید پندآموز و یا خواندن متن یک روایت همراه با ترجمه و توضیح مختصر که برای آماده‌تر شدن دلها و ایجاد یقظه و تنبیه در مستمع، بسیار مفید بود.

در بعضی مواقع نیز مجلس با مناجات آغاز می‌شده و به قول یکی از منبریان قدیمی تهران، اول خودشان را کیسه می‌کشیدند بعد برای امام حسین علیه‌السلام گریه می‌کردند.

این روزها به نظر می‌رسد که در بین مداحان جوان و امروزی این سنتهای نیکو در حال از بین رفتن است.

### ۶) فراموش شدن ماهیت حقیقی و ناب عزاداری:

برای درک بهتر این موضوع کافی است سری به بهشت زهرا بزنید و بر سر قبر کسی که تازه به خاک سپرده شده و اطرافیان او بر سر مزارش نشسته‌اند بروید و گریه و عزاداری آنها را مقایسه کنید با انواع و اقسام مدلهای سینزنی پاپ و راک... که این روزها مد شده و به کلی خالی از روح و باطن هستند. و حالات مصیبت‌زده‌ها را مقایسه کنید با حالت مداحی که در اوج مصیبت خواندن به تنظیم نبودن صدای میکروفن اعتراض می‌کند.

### ۷) عدم توجه به مسائل اجتماعی روز:

در حقیقت ترویج و اشاعه دین فردگرایانه یکی از آفات مهم بعضی از محافل دینی امروز ماست. بی‌توجهی نسبت به مسائلی مانند فقر، فساد، فقدان عدالت اجتماعی، تبعیض و... در بعضی مجالس مذهبی، آفتی است که در صورت بی‌توجهی، نوع دین‌ورزی جوانان را کاملاً دچار تحریف خواهد کرد و جوانان هیبتی ما به سوی صوفی‌گری و عزلت‌گزینی کشیده خواهند شد. در زمان جنگ مملکت ما نیاز به رزمندگان پرشور و عاشق داشت. هیبتهای آن روز نیاز آن روز را به درستی درک کردند و از همین مساجد و هیبتها و روضه‌ها بود که بسیجیان عازم جبهه می‌شدند.

### ۸) پرداختن به آنچه مستمع بیشتر می‌پسندد به جای آنچه باید بشنود:

تمایل مخاطب عام، بیشتر به سمت مطالبی است که در جهت تأیید و امید بخشیدن به او و مطابق ذوق و سلیقه او باشد نه در جهت اعتراض و اصلاح و فرهنگ‌سازی.

و مداح باید خود را از این آفت بر حذر دارد.

نمونه‌های بسیاری از این تعامل را این روزها می‌بینیم که مداح طبق خواست و سلیقه صاحب هیبت یا جو حاکم بر یک هیبت خاص می‌خواند و مورد مقبولیت و تأیید آن جمع قرار می‌گیرد. یعنی مداح دنباله‌روی مستمع می‌شود.

مثلاً خود مداح مقید به نماز اول وقت است ولی وقتی در یک جو خاص که به عزاداری بیش از نماز اهمیت می‌دهند قرار می‌گیرد، نه خود نماز اول وقت می‌خواند و نه دیگران را امر به معروف می‌کند.

بعضی از مداحان باتقوا که شاهد اعمال خلاف شرع و شئون اسلامی در بعضی هیبتها هستند، از ترس گریز مخاطبشان از یک تذکر عادی و دوستانه نیز

ابا دارند و ترجیح می‌دهند همه چیز را به امام حسین علیه‌السلام بسپارند.

### ۹) طبقه‌بندی مستمعان

از رسومات بسیار ناپسند این روزگار در باب مداحی، تبعیض و تقسیم‌بندی مستمعان به محرم و نامحرم (!) و عمومی و خصوصی است آن هم در مجالس عمومی.

مداح بعضی حرفها را می‌گذارد برای وقتی که نامحرمی در مجلس نباشد و همه به اصطلاح، اهل حال باشند و این مطلب را هم پشت میکروفن و در جلوی همه خلق الله و با افتخار می‌گوید، و من مستمع بی‌حال نامحرم تازه‌وارد ناشی فکر می‌کنم، با امام حسین، و دم و دستگاه حضرتش نامحرم هستم و این غصه مجال این فکر را به من نمی‌دهد که وقتی حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام لیاقت شرف به مجلس اباعبدالله را به تو مرحمت فرمودند و تو را قابل حضور - فقط حضور خشک و خالی - در این مجالس دانستند، مداح و بزرگ‌تر از مداح کیست که تو را شهروند درجه دو و سه آرمان شهر امام حسین علیه‌السلام بداند و خود و هم‌مسلكانش را شهروند درجه یک؟

### ۱۰) عرفی‌گرایی:

به معنی شکستن وجه قدسی و ملکوتی اولیای دین است. در هنگام خواندن مدح و مرثیه، مداح ممکن است در دو دام بیفتد.

### دام اول: اسطوره‌سازی

یعنی مداح شخصیت اولیای دین را هم‌تراز شخصیت‌های اسطوره‌ای قرار می‌دهد و تنها بر یکی از وجوه شخصیتی اولیا تأکید می‌کند به‌گونه‌ای که مثلاً حضرت امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه در حد پهلوان پهلوانان عالم نمود پیدا می‌کند و وجوه دیگر شخصیت ایشان مورد غفلت قرار می‌گیرد. در حقیقت مداح به دنبال جنبه‌هایی می‌گردد که در خود به آنها بیشتر علاقه دارد و در نتیجه مداحان جوان، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را همان پهلوان باقدردت مافوق بشر ترسیم می‌کنند و حضرت عباس علیه‌السلام را نیز به همراه کمی چاشنی جمال و زیبایی همین‌طور، و امام حسین علیه‌السلام می‌شود مظلومیت محض، نه حماسه‌ای، نه صلابت و هیبتی، نه خطابه و سیاست و حکمتی...

### دام دوم: هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های دینی

مداح خود را به جای اولیای دین قرار داده و سپس تشخیص می‌دهد که اگر



دیگری است  
یادمان باشد عزیزترین نوکران در آستان حضرت اباعبدالله علیه السلام،  
متواضع ترین، مهربان ترین، باتقواترین و بااخلاص ترین نوکران هستند نه  
خوش صداترین و پرچوش و خروش ترین و معروف ترین.

### ۲) مریدبازی و نوجه پروری:

شاید دلیل رواج این آفت این باشد که مداح به دلیل نداشتن هنر  
مجلس گردانی و ارتباط با هر نوع مخاطب، فقط در شرایطی خاص و با حضور  
عده ای خاص می تواند خوب بخواند و گرمی مجلس او وابسته به حضور همین  
اشخاص و شنوندگان حرفه ای است. گریه کن حرفه ای، سینه زن حرفه ای،  
کنایه فهم حرفه ای و...

و در هر صورت این هم یکی از نتایج غفلت از تهذیب نفس است.  
خدا رحمت کند حضرت امام را که برقی از نور محمد و آل محمد علیهم السلام  
بود در آینه زمان ما.

نقل شده که ایشان اجازه نمی دادند هیچ کس اعم از شاگرد و مرید و طلبه  
و... پشت سرش راه برود. می ایستاد تا همه رد شوند و دوباره تنها و به دور از  
هیاهو و تشریفات از کوچه عبور می کردند.

### ۳) عدم ارتباط با علماء و روحانیت:

مداح و غیر مداح اگر با روحانیت و علمای ربانی ارتباط نداشته باشند، در معرض  
سقوط قرار دارند و فرقی بین بی سواد و روشنفکر آنها نیست. نتیجه عدم ارتباط  
با روحانیت و علمای عامل دین، باز شدن پای انواع و اقسام بدعتها در مجالس  
حسینی است.

امام حسین منهای تقوا، امام حسین منهای انجام وظایف اجتماعی و در یک  
کلام امام حسین منهای دین، از اثرات سوء این جدایی است.

البته در این میان بعضی طلاب و روحانیان و اهل علم نیز بی تقصیر نیستند.  
چرا که زمانی عمود خیمه مجالس حسینی علما بودند و امروز حاشیه نشین و  
سخنران قبل از مداحی شده اند.

زمانی در همین مملکت مجتهدان جامع الشرایط ما هم منبری بودند و هم  
روضه خوان. و مگر شیاطین انس و جن می توانستند به این راحتی در چنان  
مجالسی رخنه کنند؟

من به جای او باشم در آن لحظه چه حرکتی انجام می دهم؟ و این می شود زبان  
حال! فارغ از اینکه نگاه آنها به عالم به اندازه طول و عرض این عالم با نگاه ما  
به این عالم و اتفاقاتش متفاوت است.

### ۱۱) اظهار نظر پیرامون مسائلی که درباره آنها تخصص ندارد.

از آسیبهای جدی مجامع و محافل مذهبی امروز ما، این است که علاقه جوانان  
به مذاحان باعث شده تا مذاحان خود را در جایگاه وعظ و افتاء و دستگیری از خلق  
ببینند و اگر صلاحیت و دانش این کار را داشتند چقدر خوب بود.

بعضی از مذاحان امروز، هم منبری اند هم خطیب، هم استاد اخلاق و سیر و  
سلوک، هم مرجع تقلید، هم کارشناس و تحلیلگر مسائل سیاسی و اقتصادی و  
علمی و نظامی و... و هم روضه خوان!

به عنوان نمونه بارها شنیده ایم که بعضی آقایان در مجالس مولودی این چنین  
افاضه فرموده اند که:

هر چه بیشتر کف بزیند حضرت زهرا سلام الله علیها شادتر می شوند.  
حضرت زهرا سلام الله علیها از سر همه تقصیرات و اسائه ادبهای ما بگذرد  
که اگر چنین شود خدا هم می گذرد.

### ج) آسیبهایی که شخصیت مذاحان را تهدید می کند:

#### ۱) غفلت از تهذیب نفس:

متأسفانه گاهی دیده می شود که چون مداح خود را برخوردار از نعمت ارتباط  
روحی با حضرات ائمه علیهم السلام می بیند، نسبت به تهذیب نفس و رعایت و  
تمرین تقوا، غفلت می ورزد.

فراموش نکنیم که آن حضرات با بیانهای مختلف و در روایات متعدد،  
فرموده اند: «دوست ما نیست مگر کسی که ترک حرام و ایقان واجب داشته  
باشد»

اثرات سوء آلوده بودن مداح به بعضی ردایل، به مراتب بیشتر از آلودگی  
دیگران است. زیرا در نظر عوام مردم، مداح نماینده و تابلوی دستگاه سیدالشهدا  
علیه السلام به حساب می آید و توقع مردم از این قشر توقع دیگری است.

یک برخورد نامناسب ممکن است پای جوانی را لااقل تا مدتها از این  
مجالس سرایا نعمت و برکت و مغفرت کوتاه کند که این خود گناه بسیار بزرگ